چه سال‌ها در انتظار ذوالفقار حیدری
تویی که در احاطۀ یهودیان خیبری

چو قلعه‌ای چو قلّه‌ای که حتمی است فتح آن
همیشه فکر و‌ ذکر ما، همیشه در برابری

کبوتران صلح در هوای تو فدا شدند
تو در همیشۀ جهان، برای عشق سنگری

رواق توست سجده‌گاه خلوت پیمبران
و از گلاب اشک‌های انبیا معطری

تو دیده‌ای شکوه بی‌مثال مُلک عشق را۱
ولی بر آن شکوه هم، تو زینتی، تو زیوری

چه منزلی! چه خانه‌ای! چه بیت عاشقانه‌ای!
که دم به دم، نفس نفس دل از مسیح می‌بری

میان طعنه‌های خلق، جان‌پناه مریمی
برای هجرتی عظیم، تکیه‌گاه هاجری

نماز روی فرش تو عروج می‌کند به عرش
بُراق۲ شاهد است از تمام آسمان سری

خدا به جبهۀ زمین نوشته‌: «ارث صالحین»
تو از زبور قصه را شنیده‌ای و از بری۳

تو حسن مطلعی چنین، تو حسن مقطعی چنان
تو قبله‌گاه اولی، تویی که فتح آخری

ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
۱. «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِي لِأَحَدٍ مِّن بَعْدِي؛ [سلیمان] ﮔﻔﺖ: ﭘﺮﻭﺭﺩﮔﺎﺭﺍ! ﻣﺮﺍ ﺑﻴﺎﻣﺮﺯ ﻭ ﺣﻜﻮﻣﺘﻲ ﺑﻪ ﻣﻦ ﺑﺒﺨﺶ ﻛﻪ ﺑﻌﺪ ﺍﺯ ﻣﻦ ﺳﺰﺍﻭﺍﺭ ﻫﻴﭻﻛﺲ ﻧﺒﺎﺷﺪ.» (سورۀ ص، آیۀ ٣٥)

۲. بُراق: نام مرکبی که پیامبر(صلوات‌الله‌علیه‌وآله) از مسجدالاقصی با آن به معراج رفت.

۳. «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ ﻭ ﻫﻤﺎﻧﺎ ﻣﺎ ﭘﺲ ﺍﺯ ﺗﻮﺭﺍﺕ ﺩﺭ ﺯﺑﻮﺭ ﻧﻮﺷﺘﻴﻢ ﻛﻪ ﺯﻣﻴﻦ ﺭﺍ ﺑﻨﺪﮔﺎﻥ ﺷﺎﻳﺴﺘﻪ ﻣﺎ ﺑﻪ ﻣﻴﺮﺍﺙ ﻣﻰﺑﺮﻧﺪ.» (سورۀ انبیاء، آیۀ ١٠٥)